

سوئچ هایی که سارقان را لو داد

**گروه حوادث/** پیدا شدن سوئچ خودروی سرقتی در جیب متهمان و قرار آنها هنگام انتقال به زندان راز سرقت های سریالی خودروهای پایتخت را برملا کرد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل مأموران کلانتری لواسان هنگام گشت در منطقه مرد جوانی را دیدند که قصد باز کردن در یک خودروی پراید را داشت. وی که کلاهی بر سر گذاشته بود با دیدن مأموران پا به فرار گذاشت. مأموران نیز به تعقیب وی پرداختند و این تعقیب و گریز لحظاتی بیشتر طول نکشید و مرد کلاه دار دستگیر شد. اما مأموران که هنگام فرار سارق متوجه همدست او شده بودند، تلاش برای دستگیری دومین متهم را نیز آغاز کردند. آنها متوجه شده بودند که همدست سارق پشت شمشادهای کنار خیابان مخفی شده است به همین دلیل با تلفن همراه متهم دستگیر شده به او زنگ زدند. از شانس بد متهم تلفن همراه او روی زنگ بود و به محض زنگ خوردن تلفن، مخفیگاه او لو رفت و مأموران او را دستگیر کردند.

دو متهم در تحقیقات منکر سرق ت شدند، حتی زمانی که سه سوئچ خودرو متعلق به پراید و پژو و مدارک شناسایی سرقتی از آنها کشف شد، مدعی شدند که این وسایل را از سطل زباله پیدا کرده‌اند.

▪ **فرار با پابند**

باتوجه به اظهارات متهمان، به دستور بازپرس پرونده، آنها روانه زندان شدند. اما هنگام انتقال به زندان تهران بزرگ، متهمان موفق شدند دستبندهایشان را باز کنند و درحالی که پابند داشتند فرار کردند اما با تلاش مأموران بدقره و اقدام بموقع رهگذاران این فرار ناموفق ماند. در ادامه بررسی‌ها مأموران هنگام گشت در لواسان به یک خودروی پژو ۴۰۵ برخوردند که کنار خیابان رها شده بود و سابقه اعلام سرقت داشت. در همین موقع مأموران با سوئیچی که از جیب متهمان پیدا کرده بودند توانستند در خودرو را باز کنند و بدین ترتیب مطمئن شدند این خودرو از سوی همان دو سارق سرقت شده بود.

▪ **اظهارات مالک خودرو**

مالک خودروی پژو در شکایت خود گفت: ساعت ۶ عصر در مسیر شمال به جنوب بزرگراه آزادگان توقف کرده بودم که یک موتورسیکلت با دو سرنشین زن و مرد به من نزدیک شده و تقاضای بنزین کردند. اما وقتی من پیاده شدم تا از یک بنزین بکشم ناگهان سه مرد جوان که نمی‌دانم از کجا پیداایشان شده بود به من حمله کرده و با زور مرا سوار خودرو کردند. آنها جاقویی زیر گلویم گذاشتند و مرا به سمت لواسان بردند بعد هم مرا از خودرو بیرون انداختند. زمانی که عکس متهمان دستگیر شده به مالباخته نشان داده شد، او آنها را به‌عنوان سارقان خودرواش شناسایی کرد.

▪ **سرقت‌های سریالی**

در ادامه تحقیقات از متهمان آنها به ناچار لب به اعتراف گشودند و به ۳۰ سرقت در تهران اعتراف کردند.

یکی از متهمان گفت: به‌عنوان مسافر سوار خودروهای می‌شدیم و بعد با تهدید جاقو راننده را پیاده کرده و خودرو را می‌زدیم بعد از سرقت خودرو نیز لوازم داخلش را سرقت کرده و آن را کنار خیابان رها می‌کردیم. با اعتراف متهمان به سرقت‌های سریالی، تحقیقات برای دستگیری سایر اعضای این باند و شناسایی سایر مالباختگان ادامه دارد.

## انفجار مهیب در پارچین

**عمومی** وزارت دفاع از انفجار یک مخزن گاز صنعتی خبر داد و گفت: انفجار مخزن گاز در منطقه عمومی پارچین تهران عامل رؤیت نور شدید در شرق تهران بود که تلفات جانی نیز دربرداشت.

امیر عبدی به ایرنا گفت: پس از نشست گاز و انفجار این مخزن همکاران ما بلافاصله در محل مستقر شدند تا علت دقیق این انفجار مشخص شود. البته آتش خیلی زود از سوی آتش‌نشانی مهار شد و این انفجار هیچ ارتباطی با منطقه نظامی پارچین نداشته است.

**گروه حوادث/** انفجار مهیب یک مخزن گاز در منطقه پارچین تهران که در نخستین دقایق بامداد جمعه رخ داد موجب ترس و وحشت ساکنان شرق تهران شد.

نخستین دقایق بامداد جمعه - ششم تیر- صدای انفجاری مهیب و انتشار نور و آتش در آسمان باعث وحشت ساکنان شرق تهران شد. در حالی که به‌سرعت فیلم‌های مختلفی در فضای مجازی منتشر می‌شد ساعتی بعد امیر سرتیپ دوم داود عبدی مدیر کل روابط



**اظهارات سازمان**  
**هلال احمر و فدراسیون**  
**کوهنوردی درباره**  
**امدادهای هوایی**

مرگ و زندگی قرار دارند اعلام کرده‌ایم اما گاهی تماس هایی گرفته می‌شود و درخواست بالگرد امداد می‌کنند و وقتی تماش‌نشانی گاهی درگیر برخی تماس‌های مزاحم و غیرضروری برای امداد رسانی می‌شود. هرچند تعداد این تماس‌ها زیاد نیست اما همان تعداد کم هم برای ما هزینه زیادی دارد. ما شماره ۱۱۲ را برای امداد رسانی به کوهنوردانی که در ارتفاعات و مناطق صعب العبور دچار حادثه شده و در وضعیت بحرانی بین

**گروه حوادث:** تماس‌های غیرضروری برای اعزام بالگرد از سوی برخی افراد که برای کوهنوردی راهی ارتفاعات می‌شوند به معضلی برای سازمان هلال احمر تبدیل شده است. هرچند این خدمات برای متقاضیان رایگان است اما سازمان هلال احمر برای هر مأموریت پروازی چهار هزینه هنگفتی می‌شود. در همین رابطه **مهدي ولی پور**، رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال

احمر، به خبرنگار «ایران» می‌گوید: سازمان هلال احمر نیز مانند اورژانس و آتش‌نشانی گاهی درگیر برخی تماس‌های مزاحم و غیرضروری برای امداد رسانی می‌شود. هرچند تعداد این تماس‌ها زیاد نیست اما همان تعداد کم هم برای ما هزینه زیادی دارد. ما شماره ۱۱۲ را برای امداد رسانی به کوهنوردانی که در ارتفاعات و مناطق صعب العبور دچار حادثه شده و در وضعیت بحرانی بین

بسیار و هزینه هنگفتی است.

ولی‌پور در پاسخ به این سؤال که آیا قبل از اعزام بالگرد یا فدراسیون

کوهنوردی برای صحت تماس و دریافت امدادگران ما به محل می‌رسند متوجه می‌شوند وضعیت کوهنورد مورد نظر اینک‌چه چنین حادثه‌ای به کارگروه امداد و نجات فدراسیون کوهنوردی گزارش شده با آنها تماس می‌گیریم ولی در برخی مواقع از آنجا که رسالت امداد رسانی هوایی سرعت بخشیدن به کار بوده و

روی زمین کشیده بودند و آن را در کنار جاده رها کرده و رفته‌اند. آثار لاستیک‌ها باتوجه به شیارهایش نشان می‌داد متعلق به خودرویی مدل بالااست. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که قتل ۸ تا ۱۲ ساعت قبل از کشف جسد رخ داده و احتمالاً عامل این جنایت فردی آشنا بوده است.

▪ **هویت مقتول**

مأموران از روی کارت مغازه طلافروشی هویت جسد را شناسایی کردند. بررسی‌ها نشان می‌داد مقتول از اقوام یکی از طلافروش‌های معروف پایتخت است که عضو سابق اتاق بازرگانی، بازرس سابق صنف

و قاتل با قاتلان حدود ۱۰ متر جسد را



این تماس‌ها زیاد نیست و از سوی کوهنوردان حرفه‌ای نیز صورت نمی‌گیرد چرا که ما خودمان یک کارگروه جست و جو و نجات در فدراسیون داریم که هر حادثه‌ای اول به این کمیته اعلام می‌شود و در صورت تأیید و چنانچه نیاز به اعزام بالگرد باشد خودمان درخواست می‌دهیم اما ممکن است در این میان به شکل موردی تماس‌هایی مستقیم به هلال احمر گرفته شود که اغلب نیز ربطی به جامعه حرفه‌ای کوهنوردی ندارد چرا که کوهنوردان حرفه‌ای به شکل گروهی راهی ارتفاعات می‌شوند و با ایستگاه‌های امداد و نجات کوهستانی نیز در ارتباط هستند و خیلی بندرت در مواقع پسپا حساس درخواست بالگرد می‌کنیم. چرا که ما می‌دانیم هزینه اعزام بالگرد برای هلال احمر بسیار زیاد است و با توجه به شرایط تحریم در کشور تحمیل هر هزینه‌ای به این سازمان به دور از انصاف است. از سوی دیگر ما نمی‌خواهیم با وقوع چنین اتفاقاتی بی‌اعتمادی بین فدراسیون و سازمان هلال احمر سایه بیندازد و ما از چنین موهبتی محروم شویم. در حال حاضر نیز بیشتر امدادگران کوهستانی از جامعه کوهنوردی به هلال احمر ملحق شده‌اند و همگی آموزش دیده و آشنا به این ورزش هستند و درمواقع ضروری به کمک کوهنوردان می‌آیند.

به‌عبارتی بحث مرگ و زندگی در میان است نمی‌توانیم وقت تلف کنیم چون در امداد رسانی ثانیه‌ها هم مهم است. وی در ادامه می‌گوید: متأسفانه تأییدیه هماهنگی می‌کنید می‌گوید: به‌طور معمول برای راستی آزمایی تماس‌ها و عملیات کوهنوردی همکاری خوبی داشته است و در سال‌های اخیر این سازمان کمک‌های مؤثری به ما کرده است. وی درباره تماس‌های غیرضروری به هلال احمر برای اعزام بالگرد می‌گوید:

## قتل مرموز مرد طلافروش در جاده تلو

به همراه داشته که طلا و جواهراتی که خرید و فروش می‌کرد را داخل آن حمل می‌کرد. اما از آنجا که این کیف همراه مقتول پیدا نشد و خودروی مدل بالای مقتول و تلفن همراه او نیز ناپدید شده این احتمال مطرح شد که از سوی عامل یا عاملان جنایت به سرقت رفته باشد. بدین ترتیب بازپرس مصطفی واحدی از شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور بازبینی دوربین‌های راهنمایی و راهننگی جاده تلو را صادر کرد همچنین شماره پلاک خودروی مقتول به تمامی واحدهای کشت پلیس اعلام شد تا در صورت مشاهده توقیف شود.

طلافروشان و چند سال قبل نیز دبیر کمیته استوربد اسکی بوده است. اما بعد از مرگ همسرش، طلا و جواهرات را از طلافروشی‌های معروف پایتخت می‌خرید و به طلافروشی‌های دیگر می‌فروخت و مدتی است که مغازه طلافروشی نداشته است. یکی از اقوام مقتول هم گفت که وی در ایران تنها زندگی می‌کرده و پسرش که پزشک است در یکی از کشورهای اروپایی سکونت دارد.

▪ **سرقت کیف جواهرات**

در ادامه تحقیقات راز ناپدید شدن کیف جواهرات و طلاهای مرد طلافروش برملا شد. دوستانش اعلام کردند که مرد طلافروش همیشه کیف دستی

روزی زمین کشیده بودند و آن را در کنار

جاده رها کرده و رفته‌اند. آثار لاستیک‌ها باتوجه به شیارهایش نشان می‌داد متعلق به خودرویی مدل بالااست. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که قتل ۸ تا ۱۲ ساعت قبل از کشف جسد رخ داده و احتمالاً عامل این جنایت فردی آشنا بوده است.

▪ **هویت مقتول**

مأموران از روی کارت مغازه طلافروشی هویت جسد را شناسایی کردند. بررسی‌ها نشان می‌داد مقتول از اقوام یکی از طلافروش‌های معروف پایتخت است که عضو سابق اتاق بازرگانی، بازرس سابق صنف

و قاتل با قاتلان حدود ۱۰ متر جسد را

روزی زمین کشیده بودند و آن را در کنار

جاده رها کرده و رفته‌اند. آثار لاستیک‌ها

باتوجه به شیارهایش نشان می‌داد متعلق به خودرویی مدل بالااست. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که قتل ۸ تا ۱۲ ساعت قبل از کشف جسد رخ داده و احتمالاً عامل این جنایت فردی آشنا بوده است.

همین نگاه چپ با او درگیر شدیم. من یک ضربه با کارد میوه‌خوری به‌صورت اوزدم اما دوستم فرهاد مرا گرفت و ما را از هم جدا کرد. من به خانه برگشتم و نمی‌دانم چه اتفاقی رخ داد که محمود کشته شد. فرهاد هم در بازجویی‌ها منکر درگیری با محمود شد و او را با قرار وثیقه آزاد کردند. در حالی که فرهاد پس از آزادی از زندان فراری شده بود سعید در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای جلسه مادر



قربانی درخواست قصاص کرد و گفت: پسر من آن روز ۳ میلیون تومان پول نقد همراه داشت. من گمان می‌کنم متهم به خاطر سرقت پول‌های پسرمر او را کشته است. سپس سعید ۱۹ ساله در جایگاه ایستاد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من محمود را نمی‌شناختم آن روز در خیابان او را دیدم و فرهاد به من گفت که او قبلاً مستاجر خانه خاله محمود بوده و چند بار با او درگیر شده است. او به ما نگاه چپ کرد و به همین خاطر با هم درگیر

## نگاه چپ خون به پا کرد

شدیم. وقتی محمود به سمت من حمله کرد من با کارد میوه خوری که در جیب داشتم یک ضربه به‌صورت اوزدم اما ضربه کشنده نبود. من نمی‌دانم چه کسی ضربه‌های مرگبار را به محمود زده است: من بی‌دلیل بازداشت شده‌ام و حالا به اتهام قتل اینجا ایستاده‌ام. در ادامه وکیل متهم با

نتایج معاینات جسد نشان می‌دهد که وی دارای آثار شکستگی روی سر و صورت و زانو بوده است اما موکل من می‌گوید فقط یک ضربه با کارد میوه خوری به‌صورت مقتول زده که این احتمال وجود دارد که بعد از فرار کردن موکل من از صحنه درگیری دوستش فرهاد این پسر را به قتل رسانده باشد که درخواست تکمیل تحقیقات را دارم؛ اما قضات دادگاه درخواست وی را نپذیرفتند و بعد از شور حکم به قصاص سعید دادند.